

## قتل يك دختر ۱۸ ساله ایرانی توسط پدرش و

پاره ای از اظهارنظرهای پیرامون این رویداد  
صابر بردبار

روزانه دهها مورد قتل ، خودکشی ، جنایت و مرگ غیر طبیعی در نروژ و سایر کشورهای اروپائی اتفاق می افتد ، اما اگر این اخبار جانگداز مربوط به پناهندگان و مهاجرین خارجی باشد ، در میان آنان یا توسط آنها صورت پذیرفته باشد ، انعکاس بسیار گسترده تری ، بویژه در میان رسانه های گروهی پیدا می کند .

روز یکشنبه ۱۷ جولای يك دختر ۱۸ ساله ایرانی توسط پدرش در شهر اسلو به قتل رسید ، این خبر بلافاصله با رپرتاژهای اختصاصی در میان روزنامه های نروژی انعکاس فراوانی پیدا کرد ، از جمله روزنامه « داگبلاد » تصاویر بزرگی از پدر و دختر را قبل از وقوع این حادثه دلخراش که در کنار هم نشسته اند ، را نشان داد .

در این رپرتاژ ، در پائین و در گوشه ای از این رپرتاژ نقل قولی هم از اظهار نظر يك نفر خام ایرانی هم ذکر شده بود ، وی مدعی بود صددرصد مطمئن است این يك قتل ناموسی بوده است .

متهم هنوز نه بازجویی نشده ، نه پلیس در این مورد به انجام تحقیقات نهائی رسیده است ، اما این خام حکم و کیفر خواست خود را علیه قربانیان این حادثه دلخراش صادر می کند ، نخست به این دلیل قاتل ، مرد است و پدر دختر ، دوم به دلیل اینکه قاتل خارجی تبار و مخصوصاً ایرانی است و این نوع اتهامات در نزد پاره ای از گروههای ضد خارجی مورد استقبال قرار می گیرد ، این نوع اخبار پرهیجان از سوی روزنامه های تابلویدی مانند داگبلاد که به جلب مشتری نیازمند هستند و ابراز نظرهای عجولانه برخی از این عوام ، استفاده های تبلیغاتی خود را دارد . این روزنامه های تابلوید هرگز حاضر نیستند زحمت این را بخود بدهند که به دامن زدن بحث های مفید و مثبت مثلاً در مورد سیاست ضدپناهندگی اخیر دولت نروژ در رابطه با متقاضیان پناهندگی سیاسی دست بزنند و یا نسبت به آن افشاگری نماید و این خام نگون بخت نیز هرگز مجال نمی یافت تا در بحث نمودن در مورد يك اقدام مثبت انجام شده توسط خارجیان مورد مصاحبه و یا اظهار نظر قرار بگیرد .

مطرح کردن بحث قتل ناموسی تا قبل از انجام تحقیقات ، نمی دانم کجا دفاع از برائت متهم است ؟ این جوسازی سازیها ، حکم صادر کردنها و انتخاب قربانیان در میان خارجی ها به چه منظوری صورت می گیرد ؟ آیا به قصد افشاگری صورت می گیرد ؟ آیا برای ایجاد هیاهوی پوچ ، آلوده کردن کل پروسه تحقیقات قانونی ،

نادیده گرفتن و یا انکار کار قانونی ، صادر کردن اتهامات غیر اثباتی علیه یک پناهنده و یا مهاجر صورت نمی گیرد ؟ آیا این روش هماهنگی با روشهای دست راستی دولت ، بویژه «ارنا سولبرگ» وزیر کمون های نروژ و آقای کارل ا. هاگن رئیس حزب نژادپرست راه ترقی نیست که از نظر مردمان نروژ به همفکر لی بن فرانسه و هایدراطریش مقایسه می گردد ؟

هر چه باشد تا روشن شدن کار و انجام تحقیقات قانونی ، این یک فاجعه دلخراش ، یک تراژدی خانوادگی است که به قیمت مرگ یک انسان و نابودی یک مناسبات و روابط عاطفی و مشترک خانوادگی تمام شده است و قبل از اینکه نیاز به اظهار نظر متهم گرانه داشته باشد ، باید متوجه وقایع و شرائط ناهموار این دو نفر و کلاً پناهندگان و مهاجرین در شکل عمومی تر شود ، روزی نیست اخبار جانکاه و دلخراش از این قبیل در مورد پناهندگان و مهاجرین به گوشمان نخورد ، چندی پیش یک پناهنده جوان کرد ایرانی بر اثر تزریق مواد مخدر در اسلو جان خود را از دست داد و همچنین یک فعال سیاسی سرشناس ایرانی که هنوز به سن ۴۰ سالگی نرسیده بود ، بر اثر مشکلات اقتصادی خودکشی نمود و... اینها قبل از هر چیز و قبل از هر اظهار نظری چیز فجایع انسانی هستند و حاکی از مشکلات و مصائب فراوانی است که در میان پناهندگان و مهاجرین وجود دارد ، این قربانیان نیستند که باید در ردیف متهمین قرار بگیرند ، بلکه بخشی از دلائل بروز این فجایع ، شرائط زندگی و موقعیت فرودست پناهنده و مهاجر است که باید بطور جدی از سوی این خام و مابقی مورد سؤال قرار بگیرد.

#### وضعیت دسپرات قاتل:

متهم بعد از خفه کردن دخترش همان روز یعنی روز یکشنبه خود را به پلیس معرفی نمود. این فرد موقع ارتکاب جرم در حالت دسپرات کامل بوده و گرنه چه لزومی داشت بلافاصله بعد از ارتکاب جرم خود را به پلیس معرفی نماید و از کرده خود اظهار پشیمانی کند . متهم قرار شد روز سه شنبه مورد بازجویی قرار بگیرد و هنوز نه کاملاً برای پلیس شناخته بوده و نه برای این خام و کسانی که در این رابطه کنجکاوی بخرج می دهند . طبق تحقیقات پلیس میان این دختر و پدرش اختلافاتی بوجود آمده که منجر به قتل می گردد و دلائل آن هنوز مورد بررسی قرار نگرفته است ، پلیس باید در مورد گذشته این شخص نیز تحقیق کند تا یک رابطه منطقی مابین گذشته این فرد و دلائل ارتکاب جرم وی پیدا کند .

## تعلق به دو فرهنگ و شرائط متفاوت :

متهم يك ایرانی ۴۱ ساله اهل تهران است ، که ۱۴ سال پیش به نروژ پناهنده شده و تا قبل از آمدن دخترش در يك کمون دیگر یعنی «آسکر» در همسایگی اسلو زندگی نموده ، اما دختر ۱۸ ساله وی قبل از کریسمس سال گذشته به پدرش در نروژ ملحق شده و طی این مدت در رفت و آمد به ایران بودن و آخرین بار يك هفته قبل از به قتل رسیدن از سفر ایران برگشته بود . این سرگذشت ، حکایت از تفاوت زیاد در سطح فرهنگی این دو نفر می کند ، این دو تقریباً تمام سالهای زندگی را از همدیگر دور بوده اند و به دو نسل کاملاً جداگانه تعلق داشته اند ، این دختر ۱۸ ساله اختلافات زیادی با پدرش داشته ، زبان نروژی نیز بلد نبوده . این خانواده ، کس دیگری از بقیه افراد خانواده و یا فامیل دیگر در نروژ نداشته اند ، بنابراین این دو در انزوای خود نیز بسر برده اند . پلیس با توجه به تجربه خود معتقد است که این قتل برنامه ریزی شده نبوده و این باید مانع هرگونه پیشداوری و انگی به متهم و مقتول باشد.

## موقعیت اجتماعی :

متهم قبل از آمدن به نروژ از خام سابق خود جدا شده و این دختر توسط خانواده پدر نگه داری و سرپرستی شده . متهم در يك شرکت تویتا بعنوان کارگر ماشین شوئی به کار مشغول بوده ، يك بار هم حدود سه سال پیش در جای دیگری به کار اشتغال داشته که توسط صاحب کار نروژی اش اخراج می گردد. این دختر قبل از آمدن به نروژ اصلاً از موقعیت اجتماعی پدرش خبر نداشته است و نمی دانسته این پدر با چه تلاش و زحمتی زندگی خود را با کارگری و ماشین شستن در نروژ تأمین می کرده است . موقعیت فرودست وی ، اخراج و درگیر شدن با صاحبکار قبلی اش و کشیده شدن این جریان به دادگاه ، سپس زندان و جریمه و همزمان ملحق شدن دخترش به وی نیز از عوامل احتمالی سرخوردگی و به بن بست رسیدن وی باید مورد توجه قرار بگیرد. این دختر در سنین کودکی از پدرش دور شده و محصول ازدواج يك زوج ناموفق و يك زندگی شکست خورده بوده . این پدر احتمالاً طی این سالهای طولانی به تنهایی بسر برده و احتمالاً دارای دوستان نزدیک ، بویژه در میان نروژی ها نبوده است و ثانیاً از روحيات و نیازمندیهای يك دختر جوان بی خبر بوده . احتمالاً نه تجربه ای در این زمینه داشته و نه بعلت کار و مشکلات زندگی وقت کافی برای ایجاد زمینه های يك زندگی رضایت بخش برای همدیگر داشته است .

## راسیسم و مسئله دو فرهنگی :

وی و بسیاری از کسانی به کشورهای اروپائی و مخصوصاً نروژ می آیند ، جایگاه و موقعیت اجتماعی خود را از دست می دهند و این افراد بندرت قادر به بازسازی، ترمیم و یا ایجاد يك جایگاه و موقعیت مناسب اجتماعی خواهند شد. پناهندگان و مهاجرین در مشاغل پست تر و پائین تر به کار اشتغال می یابند ، بسیاری بدلیل مشکلات فرهنگی، مشکلات زبان شانس پیدا کردن يك کار پست با موقعیت فرودست تر را نیز ندارند. برای ازدواج هم مورد تبعیضات نژادپرستانه واقع می شوند ، پناهنده یا مهاجری که می خواهد ، با کسی در کشور محل تولد خود ازدواج کند ، باید دارای شغل دائمی باشد ، کمتر از ۱۶۵ هزار کرون درآمد خالص نداشته باشد ، کمتر از ۲۴ سال سن نداشته باشد و هزار و يك مانع و مشکل قانونی دیگر. مشکلات بعد از ازدواج و جدائی های زودرس هم تازه بعد از تشکیل این زندگی است که به سرعت خود را بروز می دهد. این موانع قانونی بمعنای این است ، کسی که بیکار است و به سن ۲۴ سالگی نرسیده ، بطور اتوماتیک از حق ازدواج محروم می گردد .

## مجازات فیزیکی :

در ایران و بسیاری از کشورها ، کتک زدن به عنوان يك شکل تنبیه در نافرمانی و ارتکاب خطا و یا آنچه‌ی که در واقع مورد پسند و تأیید والدین نیست ، در مورد کودکان و حتی در مورد زنان بکار برده می شود . کتک زدن و آزار فیزیکی، مجازات و تعقیب قانونی از سوی دولت را دربر ندارد ، مبارزه با این فرهنگ ناانسانی باید به بخشی از مبارزه ما با فرهنگ نامناسب و ظالمانه بویژه در رابطه با کودکان تبدیل شود .

## احساس تملك :

در بسیاری از فرهنگ ها و خانواده ها احساس تملك پدر و مادر بر فرزند و شوهر بر زن وجود دارد و این تنها به يك فرهنگ ویژه تعلق ندارد .

## قتل ناموسی :

قتل ناموسی به عنوان يك شکل از مجازات و تنبیه کردن در میان افراد و احادی از فرهنگهای کهنه و منسوخ مردسالاری عمل می کند ، قوانین بسیاری از کشورها ارتکاب به این عمل وحشیانه را مورد مجازات سخت و جدی قرار نمی دهد و بقای این نوع قتل ها و جنون یکی از نشانه های رشد نیافتن و غیرمدنی بودن قوانین

مجازات در این کشورهاست ، اما این عمل در میان اکثریت مردم بعنوان يك فرهنگ مردود و مطرود بکنار نهاده شده است .

بکاربردن خشونت از سوی کسانی و ارتکاب قتل همسر و فرزندان غیر از دلائل سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی ، ناشی از ناهنجاریهای فرهنگی ، فکری و روانی پاره ای از افراد و احاد جامعه است و این هم تنها در میان فرهنگ و ملیت های خاصی صورت نمی گیرد ، نروژی و اروپائی هم تافته جدا بافته در این زمینه نیستند .

قتل قتل است و قاتل طبق قانون باید مانند متهم مورد بازجویی و تحقیق و محاکمه قرار بگیرد ، نروژی ها و سایر اروپائیان نیز دست به قتل همسر و فرزندان خود می زنند ، اما انگشت اتهام متوجه پیشداوریهها و دلائل ناموسی و خانوادگی نمی شود ، بلکه دلائل و ریشه های آن بطور جدی مورد تحقیق و بررسی قرار می گیرد . با « گرد فلیشر» از ارگان « خود کفائی مطمئن برای پناهندگان و مهاجرین » که از نزدیک با چنین مسائل و رویدادهایی آشنائی و سرکار دارد ، طی مصاحبه ای در این زمینه اظهار داشت که در این مورد خاص کومنتاری ندارد ، اما معتقد است که : - « طی سالهای اخیر با موارد زیادی از قتل زنان و کودکان در میان گروههای مختلف جامعه روبرو بوده ایم ، همچنین در میان نروژی ها ، از راه پله های دادگاهها گرفته تا پارکینگها ، زنان و کودکان توسط مردان به قتل رسیده اند ، قبل از اینکه خود را نیز به قتل برسانند . از نظر خیلی از مردان ، زنان و کودکان جزو ملك مردان به شمار می روند و اگر از تبعیت آنان سرپیچی کنند با خطر مرگ روبرو می گردند ».

۲۶ ماه جولای ۲۰۰۴

منابع این خبر :

روزنامه داگبلاد ت دوشنبه ۱۹ - سه شنبه ۲۰ - چهارشنبه ۲۱ ماه جولای ۲۰۰۴

روزنامه داگس آویسن سه شنبه ۲۰ ماه جولای ۲۰۰۴

روزنامه آفتن پوستن پنجشنبه ۲۲ جولای ۲۰۰۴

